

## رسانه رادیو و تلویزیون جام‌جم

چه خبر از سیما؟

## بازدید علی پروین از پشت صحنه مجموعه «شش قهرمان و نصفی»

علی پروین یکی از اسطوره‌های تاریخ فوتبال ایران با حضور در پشت صحنه مجموعه «شش قهرمان و نصفی» به عنوان تازه‌ترین سریال گروه نوجوان سیمافیلم، اظهار کرد: این مجموعه شعار حمایت از تولید داخل را به عمل تبدیل کرده است.

به گزارش جام‌جم، هم‌زمان با تصویربرداری بخش‌هایی از مجموعه تلویزیونی شش قهرمان و نصفی به کارگردانی حسین قناعت و تهیه‌کنندگی پرویز سیمافیلم، علی پروین در محل فیلمبرداری این سریال در بیمارستان هاجر حضور یافت و از پشت صحنه آن بازدید کرد.

پروین در حاشیه بازدید از پشت صحنه این مجموعه تلویزیونی درباره اهمیت پرداختن به مساله تولید ملی و حمایت از کالای ایرانی در سینما و تلویزیون بیان کرد: من عاشق سریال‌های ایرانی هستم، اما تا الان به‌یاد ندارم که چنین سریالی با این موضوع ساخته شده باشد.

این فوتبالیست پیشکسوت تصریح کرد: به نظر من ساخت این سریال و مجموعه‌های مشابه برای نوجوانان یک کار فرهنگی- اجتماعی و به سود جامعه است. امیدوارم تولید این قبیل سریال‌های تلویزیونی ادامه‌دار باشد.

وی تاکید کرد: متاسفانه همه درباره حمایت از



کالای ایرانی شعار می‌دهند، اما عمل نمی‌شود و از فعالان این حوزه هم حمایتی صورت نمی‌گیرد، به همین دلیل مساعی تیم تولید شش قهرمان و نصفی ارزشمند بوده، زیرا شعارها را به عمل تبدیل کرده‌است.

وی اضافه کرد: به وجود این هنرمندان که در حال تلاش برای ساخت این سریال هستند، افتخار می‌کنیم و باید به آنها خداقوت گفت.

در این بازدید سکانسی از مجموعه شش قهرمان و نصفی در حال فیلمبرداری بود. بازیگران اصلی این سریال از جمله اکبر عبدی، بیژن بنفشه‌خواه و همچنین بازیگران کودک و نوجوان آن در حال ایفای نقش بودند.

گفتنی است، تصویربرداری سریال شش قهرمان و نصفی در تهران به اتمام رسیده و پس از این، تصویربرداری این سریال در شمال کشور ادامه خواهد یافت. موضوع ترغیب خانواده‌های ایرانی به خرید کالای تولید داخل و حمایت از کارگران ایرانی همچنین تشویق به ورزش در این مجموعه مورد توجه قرار گرفته است.

اکبر عبدی، شهرام قاندي، بیژن بنفشه‌خواه، بهاره رهنما، ارژنگ امیرفضلی، رویا معلمی، نادر سلیمانی، رامین ناصر نصیر، امیر غفارمنش، حسین رفیعی، سازاز سماواتی،عباس محبوب، علیرضا درویش، حامد آهنگی ومرتضی زارع نیز از بازیگران این سریال هستند.

## «راز بی‌تا» به مراحل پایانی رسید

فیلمنامه سریال راز بی‌تا به نویسندگی احمد مرادیپورو علیرضا نظریان به مراحل پایانی رسید. به گزارش جام‌جم، حسن کلامی تهیه‌کننده سریال راز بی‌تا با بیان این‌که نگارش این فیلمنامه از سال گذشته آغاز شده، گفت: در حال حاضر دو نویسنده این فیلمنامه احمد مرادپور و علیرضا نظریان مشغول نگارش قسمت‌های پایانی کار هستند.

وی تاکید کرد: طرح اولیه این سریال را سال گذشته به سیمافیل دادیم و پس از تصویب و انعقاد قرارداد نگارش کار را شروع کردیم. تهیه‌کننده راز بی‌تا داستان این سریال را مربوط به زندگی دختر به نام بی‌تا دانست و افزود: این دختر به دنبال اسرار زندگی خود می‌گردد و هر دفعه با شخصی مواجه می‌شود تاآینده خود را دنبال می‌کند.



عکس‌هایی از محمد نائینی‌محمدی در سال‌های جنگ

### قدردانی از رادیو نمایش در نشست سوره مهر

به گزارش جام‌جم، در مراسم رونمایی از انتشار یکصدمین کتاب گویای سوره مهر، از رادیو نمایش قدردانی شد. این مراسم با حضور مدیران سوره مهر، مدیران و هنرمندان اداره کل هنرهای نمایشی و رادیو نمایش در حوزه هنری برگزار شد.

عبدالحمید قره‌داغی، مدیر عامل انتشارات سوره مهر در این مراسم از محمدرضا



## در برنامه «هزار داستان» این هفته که با حضور جانباز دفاع مقدس محمدنائینی پخش شد، چه گذشت؟

# روایت سفر تا پشت در بهشت

**ادامه از صفحه ۵**

📖 **قصه جانبازی**

نائینی در ۹ سالگی یک بار از مرگ یا آسیب جدی حاصل از تصادف خودرو جان سالم به‌در می‌برد و به عقیده کاظمی گویی خداوند او را برای سال ۶۴ و آن اتفاق عجیب ذخیره نگه می‌دارد. این جانباز قصه را این‌گونه تعریف می‌کند: از بوکان به مرضی‌آدمد و مرحوم حاج هادی جنیدی مسؤول پشتیبانی جبهه و جنگ پیشوا از من خواست به دلیل شغل پدرم که کبابی بود و من هم در این زمینه وارد بودم با آنها به کردستان بروم و گفت در کنار آن قرار است فیلم مستندی به نام مانده در مورد اکپ پشتیبانی حاج هادی ساخته شود. به این ترتیب با آنان همراه و به خدمت‌رسانی و پشتیبانی آن منطقه مشغول شدیم. کارگردان مستند آقای جنت‌خواه و تهیه‌کننده‌اش آقای جلیلی بود و به من گفت انتهای قصه قرار است در کمینی شما، عباس ناجیک و حسین جنیدی شهید شوید. یک روز بعد از عملیات قرار بود برای رزمنده‌ها کباب درست کنیم، سه ماشین برای چرخ کردن گوشت به عقب بازگشتیم که در کمین افتادیم، مینی‌بوس را به زگیار بستند و اولین نفر حسین صدیقی‌نکو بود که شهید شد. او در حالی که بیشترین خدمات را انجام می‌داد، هیچ‌گاه جلوی دوربین حاضر نمی‌شد. شهید جنیدی هم به زور خود را به مینی‌بوس رساند و یک خشاب کامل در شکم او خالی کردند. تقریباً همه شهید شدند و من شاهد زدن تیر خلاص به دوستانم بودم. من در تیراندازی اولیه پاهایم تیر خورد. بعد که بالای سرم آمدند دوباره تیراندازی کردند، در همان حال کتکم زدند و تیر خلاص را در گردنم خالی کردند؛ ۱۶-۱۵ تیر به من اصابت کرد با این گمان که کشته شدم رهایم کردند. دست‌ها، پاها و دندان‌هایم شکسته بود و تمام تنم تیر خورده بود که نیروهای خودی به دادم رسیدند و مرا به بیمارستان منتقل کردند. آنجا تشخیص دادند که شهید شده‌ام، من می‌دیدم

قربانی، مدیرکل هنرهای نمایشی و رادیو نمایش برای کیفیت آثار خوب کتاب‌های صوتی قدردانی کرد. در ادامه این مراسم صادق زنگنه، مدیر گروه فرهنگ و جامعه رادیو نمایش درخصوص تولید کتاب‌های صوتی گفت: به دلیل علاقه‌مندی شنوندگان و درخواست مکرر آنها برای تولید کتاب‌های صوتی بیشتر، تشویق

### هزار زندگی

هزارداستان عنوان برنامه‌ای به تهیه‌کنندگی جواد فرحانی است که برای نخستین بار ماه رمضان ۹۶ روی آنتن شبکه نسیم رفت و در محرم و صفر ۹۶ و رمضان، محرم و صفر ۹۷ نیز پخش شد. این برنامه تلویزیونی که نخستین برنامه مناسبتی شبکه نسیم است از دو بخش اصلی، شامل مستند و بخش استودیویی تشکیل شده است. مجری این برنامه یک شخص ثابت نیست و در هر قسمت میزبانی و اجرای هزارداستان برعهده یک چهره سرشناس است که گاه نقطه مشترکی با سوزه مطرح‌شده دارد. مریم نوابی‌نژاد کارگردان این برنامه است که پیش از این با ماه عسل در زمینه یافتن سوزه‌ها همکاری می‌کرد. این همکاری و شباهت‌هایی میان قصه‌های این برنامه با ماه عسل باعث شد در رمضان ۹۶ بسیاری پخش هم‌زمان این دو برنامه را موازی‌کاری بدانند، اما هر چه گذشت هزارداستان هویت مستقلی یافت و با انتخاب مهمانان متفاوت مخاطبان خود را پیدا کرد و به قول نوابی‌نژاد چون واقعی بود، مردم باورش کردند.

### اکیپ حاج هادی

کتاب «اکیپ حاج هادی» را سال ۱۳۹۱ نشر شاهد منتشر کرده است. این کتاب به قلم جعفر کاظمی مجموعه خاطرات ایثارگران جهاد پشتیبانی ورامین را روایت می‌کند و حاصل گفت‌وگوی نویسنده با حاج هادی جنیدی، مسؤول این اکیپ و بیش از ۴۰ ساعت مصاحبه با هم‌زمان اوست که در قالب ۲۱۰ خاطره نوشته شده است. مولف، خاطرات را بازآفرینی کرده و نام راوی هر خاطره را زیر عنوان آن آورده و تصاویری از حاج هادی جنیدی و هم‌زمانش در پیوست آمده است. در این اکیپ نزدیک به هزار نفر از مرد و زن در تخصص خود به جبهه خدمت می‌کردند. نام برخی از این افراد به تفکیک مشاغل آنان چون فرهنگیان، کشاورزان، مشاغل آزاد، رانندگان، کامیون‌داران، پاسداران، مکانیک‌ها، کارمندان و کباب‌پزها در کتاب ذکر شده است. در بخشی از کتاب آمده است: «با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از همان روزهای آغازین تجاوز دشمن، برای دفاع از میهن اسلامی محل کارش را ترک کرد و با عضویت در گروه جنگ‌های نامنظم راهی جبهه‌های جنوب می‌شود. در همین ایام اقدام به تاسیس اکیبی متشکل از صاحبان حرفه‌های گوناگون می‌کند تا در پشتیبانی و تدارکات جبهه‌های نبرد حق علیه باطل منشأ خیر و برکت شوند و بعدها در سراسر جبهه‌ها به اکیپ حاج هادی شهرت می‌یابد.»

**نائینی محمدی در گفت‌وگو با جام‌جم:**

### فکر می‌کردم مصاحبه رادیویی است

من تقریباً سیزده چهارده سال است که زیاد از منزل خارج نمی‌شوم. چه بشود که به بنیاد بروم. عقیده قلبی‌ام این است به خاطر وظیفه به جبهه رفته‌ام و برای همین از هیچ‌کس توقع ندارم. بعد از جنگ هم بسیاری از اداره‌جات به من پیشنهاد دادند اما گفتم نه، نمی‌خواهم سر بار کسی باشم. چند بار هم کسانی آمدند و پیشنهاد کردند به برنامه‌ها بروم و صحبت کنم، اما نپذیرفتم. بعد از آن آقای کاظمی آمدند و گفتند

قراراست کتابی به نام اکیپ حاج هادی بنویسند و چون بسیاری از بچه‌های اکیپ را نمی‌شناختند یا به آنان دسترسی نداشتند من دوستان را به منزل می‌آوردم تا برای آقای کاظمی خاطره‌هایشان را بگویند. قبل از برنامه هزارداستان به من گفتند، قرار است در یک مصاحبه رادیویی شرکت کنی ولی وقتی آنجا رسیدم متوجه ماجرا شدم. کارگردان آمد و حدود نیم‌ساعت با من صحبت کرد و گفت قرار بود ماجرا را تعریف کنی، فرقی نمی‌کند، حالا جلوی دوربین بگو. حرف زدم تا بالاخره راضی شدم.

📖 **چرا از مردم تشکر می‌کنم؟**

آقای سلوکی در برنامه گفت چرا از مردم تشکر می‌کنی، گفتم چون مردم ما مردم خوبی هستند و ما هرچه داریم از آنان است. آن زمان برای عقیده خود و برای راحتی همین مردم رفتم، حال چه توقعی می‌توانیم داشته باشیم؟ کارهایی که بنیاد می‌کند لطف است وگرنه ما چیزی نمی‌خواهیم. این برنامه یکی از آن قسمت‌هایی است که چند بار بازپخش شده و من که دوست نداشتم دیده شوم الان مدام قصه‌ام شنیده می‌شود. بعد از برنامه در اینستاگرامم مردم کامنت‌های محبت‌آمیز می‌گذارند و بسیاری از دوستانم هم می‌گویند ما می‌دانستیم تو مجروح هستی اما ما جرایش را برای اولین بار شنیده‌ایم و نمی‌دانستیم در این حد بوده است. در این مدت برخورد‌های جالبی دیده‌ام چون تا امروز افراد کمی از این قصیه‌خبر داشتند و حالا خیلی‌ها می‌دانند. مدتی است به خاطر دبیرستان پسرمر ساکن پاکستان هستم. بعد از این قصیه رئیس آموزش و پرورش منطقه و سپاه آمدند من را بردند تا صحبت کنم و مسجد جامع امیرالمومنین هم کانال زده و راجع به این موضوع کار می‌کنند. به طور کلی مردم لطف دارند. از سپاه و اداره‌های مختلف هم تماس می‌گیرند.

تا با هم به برنامه بپیایید.

📖 **خاطره‌ای که پخش نشد**

بخش عمده‌ای از خاطرات من و آقای نائینی محمدی باقی‌ماند و برنامه وقت نداشت که مثلاً از ازدواج و عروسی آقای نائینی‌محمدی بگویم. بعد از بازپخش برنامه هم دوستان با من تماس می‌گیرند و می‌گویند خاطره ازدواج ایشان چه بود که دائم شما می‌گفتی ولی آخر پخش نشد. ماجرا از این قرار است که او آخر جنگ اکیپ آشپرها، حلیم‌پزها و کباب‌پزها طی فراخوانی به جزیره ابوموسی می‌روند تا برای رزمندگان و پاسدارانی که از جزیره حراست می‌کنند، غذای گرم بپزند. آمریکایی‌ها با ناوهایشان به خلیج می‌آیند، به جزیره نزدیک می‌شوند و به زبان فارسی در بلندگوهای کشتی هر روز شب اعلام می‌کردند خود را تسلیم کنید ما می‌خواهیم به جزیره ابوموسی حمله کنیم. فکری به سر حاج هادی جنیدی و حاج حسن ترابی می‌زدند تا قضا را عوض کنند و به مردم و رزمندگان روحیه بدهند. تصمیم می‌گیرند مراسم خواستگاری برای نائینی محمدی ترتیب دهند و او می‌گوید باید از خانواده‌ام اجازه بگیرم اما بالاخره راضی‌اش می‌کنند و می‌گویند دختر عبدا... زرگر را قرار است ایشان را به حمام می‌برند، گل و شیرینی تهیه می‌کنند و با ساز و دهل به سمت محل استقرار آقای زرگر می‌روند. آمریکایی‌ها هم اینها را می‌بینند که بی‌خیال و شاد از ساحل می‌گذرند، بالاخره عقب‌نشینی می‌کنند. به محل خواستگاری که می‌رسند آقای نائینی



رامی‌شستندو....📖